



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زبان فارسی و ایرانشناسی در بلغراد

گزارش

یوگسلاوها خیلی دیرتر از کشورهای اروپای غربی (فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا...) و حتی روسیه به شرق‌شناسی روی آوردند. آنها الگوی خود را در زمینه‌های مختلف خاورشناسی از اروپای غربی گرفته بودند.

فهمیم بایراکتاروویچ، خود شاگرد هانری ماسه، شرق‌شناس مشهور فرانسه بود که در وین، لندن و الجزایر در زمینه آموزش زبانهای شرقی (شاخه اسلامی: ترکی، عربی و فارسی) تحصیلات خود را گذرانده بود؛ و باروشهای نوین نسل دوم شرق‌شناسان قرن نوزده و بیست آشنایی کامل داشت. او از سال ۱۹۲۵ تدریس زبان و ادبیات فارسی را در چارچوب درس ادبیات جهانی آغاز کرد و همان‌طور که از معنای نامش برمی‌آید «پرچمدار» شرق‌شناسی در دانشگاه بلغراد شد (در زبان صربی بایراک همان بیرق فارسی است) تا اینکه در سال ۱۹۲۶ عملاً بخش شرق‌شناسی را افتتاح کرد.

دکتر محمود فتوحی عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت‌معلم از اواخر آبان ۱۳۸۱ برای تدریس زبان فارسی به بلغراد اعزام شده است. وی گزارشی از وضعیت زبان و ادبیات فارسی در بلغراد ارسال کرده که از نظر خوانندگان می‌گذرد.

الف) پیشینه شرق‌شناسی در بلغراد

دانشکده زبانها و ادبیات، قدیمی‌ترین دانشکده در بلغراد و یکی از مؤسسات طراز اول یوگسلاوی در زمینه علوم انسانی است. این مؤسسه در سال ۱۸۰۸ م. با نام مدرسه عالی بلغراد پایه‌گذاری شد و در ۱۹۶۰ م. با نام دانشکده زبان و ادبیات استقلال یافت. بخش شرق‌شناسی این دانشکده که از مهم‌ترین بخشهای آن به‌شمار می‌رود، در سال ۱۹۲۵ به همت فهمیم بایراکتاروویچ (۱۸۸۹-۱۹۷۰) تأسیس شد.



بالغ بر ۲۴۴ اثر می‌شود که اغلب آنها در قالب مقاله، کتاب و ترجمه آثار ادبی، بارها به چاپ رسیده است.

پس از پروفسور فهیم، شاگردش ماریا جوکانوویچ کار استاد را در بخش شرق‌شناسی دنبال کرد؛ وی تحصیلات خود را در بخش شرق‌شناسی دانشگاه بلگراد به اتمام رساند و از ۱۹۶۷ دنباله کار استاد را گرفت و تا سال ۱۹۷۹ استاد کرسی زبان فارسی بخش شرق‌شناسی بود. وی به هنگام فوت در سال ۱۹۸۳ بالغ بر ۴۰ اثر تحقیقی و تألیفی در زمینه‌های مختلف از خود به یادگار گذاشت که البته شمار بسیار اندکی از آنها به ادبیات و فرهنگ ایران مربوط می‌شود.

از سال ۱۹۸۰ کرسی زبان و ادبیات فارسی بخش شرق‌شناسی دانشگاه بلگراد توسط پروفسور دارکو تاناسکوویچ اداره می‌شد. وی نیز از شاگردان برجسته فهیم بایراکتاروویچ بود که از سال ۱۹۷۱ به تدریس و تحقیق در بخش

او به درستی دریافته بود که اسلام‌شناسی و مطالعات درباره شرق میانه، ناگزیر مستلزم یک مثلث زبانی است که اضلاع آن را زبانهای عربی، فارسی و ترکی تشکیل می‌دهد. از طرفی مطالعه در تاریخ و فرهنگ ترکی که روشنفکران یوگسلاوی آن را لازمه شناخت تاریخ و فرهنگ خود می‌شمارند با زبان فارسی پیوندی ناگسستی دارد. فرهنگ و زبان و حتی دیپلماسی سیاسی ترکان عثمانی از پشتوانه مقتدری برخوردار بوده که از دو زبان عربی و فارسی مایه می‌گرفته است، و بدون شناخت زبان، تاریخ و فرهنگ ایران کار ترک‌شناسی ناقص و ابتر خواهد ماند. پروفسور فهیم با علم به این مسائل، سنگ بنای ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی را در بلگراد محکم نهاد و تا سال ۱۹۶۶ به مدت چهل و یک سال از عمر خود را صرف تدریس و تحقیق در ادبیات فارسی نمود و میراث ارزنده‌ای از خود به یادگار نهاد. مجموعه آثار فهیم

شرق‌شناسی مشغول بود. پروفیسور تاناسکوویچ به مدت هشت سال تدریس زبان و ادبیات فارسی را ادامه داد، اما از سال ۱۹۸۷ به تدریج درس فارسی از برنامه بخش شرق‌شناسی دانشگاه بلگراد حذف شد. تقریباً تا سال ۱۹۸۷ زبان فارسی رسماً در بخش شرق‌شناسی تدریس می‌شد اما از آن پس تعطیل شد و در محاق فراموشی فرورفت. علل و عوامل بسیاری برای افول موقعیت زبان فارسی در بلگراد می‌توان برشمرد.

البته نباید از نظر دور داشت که در دهه‌های پایانی قرن بیستم، در سراسر جهان و حتی در دانشگاه‌هایی که در قرن نوزده و نیمه اول قرن بیست کانون مطالعات شرقی بود، شرق‌شناسی دیگر آن تب و تاب و جاذبه پیشین را نداشت و نسل سوم شرق‌شناسان اروپا و آمریکا نیز نه آن احاطه و عمق دانش نسل‌های اول و دوم خاورشناسان را داشت و نه آن شور و اشتیاق را. چرا که به دشواری چیز تازه‌ای دستگیرش می‌شد و روزگار کاوش در گنجینه‌های شرق رو به پایان بود.

در یوگسلاوی نیز به تبع دیگر ملل چنین حسی نسبت به شرق‌شناسی پدیدار شد. مسائل داخلی یوگسلاوی، ضعف قدرت مرکزی سوسیالیسم در بلوک شرق، و مواجهه با مسائل تازه در دنیای جدید پس از فروپاشی کمونیسم، چنان فضای یوگسلاوی را پر کرده بود که دیگر مجال برای پرداختن به مطالعات شرقی باقی نماند. شروع جنگ‌های داخلی و بحران در روابط سیاسی ایران و صربستان را نیز باید بر مجموعه عوامل فوق افزود. بدین گونه بود که زبان و ادبیات فارسی چندان مورد استقبال قرار نگرفت و فقدان افراد فرهیخته آشنا به زبان فارسی در مجموعه بزرگ دانشکده ادبیات که در حال حاضر ۳۲ زبان خارجی در آن تدریس می‌شود نتیجه آن شرایط است و باید گفت که غفلت دیپلماسی ایران از ایران‌شناسی و زبان فارسی در آن سالها نیز مزید علت بوده است که در قیاس با تلاش‌های بی‌وقفه کشورهای عرب زبان و ترکیه و اسرائیل و کره و ژاپن ضعف آن، کاملاً مشهود است. این در حالی است که اشتیاق به آشنایی با زبان و فرهنگ ایران در میان صربها نسبت به دیگر زبان‌های شرقی بسیار زیاد است.

ب) احیای کرسی زبان فارسی در بخش شرق‌شناسی

پس از این دوره فترت و رکود در موقعیت زبان فارسی کوشش‌های مرکز فرهنگی ایران برای احیای موقعیت زبان فارسی در دانشگاه آغاز شد. در فروردین سال ۱۳۷۱ شمسی، در پی شروع جنگ در بوسنی، استاد ایرانی اعزامی برای آموزش زبان فارسی در دانشگاه ساریوو، آقای دکتر احمد صفارمقدم، ناگزیر شد به بلگراد عزیمت کند. حضور ایشان در بلگراد زمینه مناسبی برای احیای زبان فارسی در دانشکده ادبیات بود که با پیگیری نمایندگان سیاسی و فرهنگی ایران از آن زمان تلاش برای احیای موقعیت زبان فارسی در دانشکده ادبیات بلگراد آغاز گردید. در آن زمان، رئیس وقت بخش شرق‌شناسی، آقای دکتر تاناسکوویچ، با اشتیاق بسیار از تأسیس کرسی زبان فارسی استقبال کرد. ایشان شرایطی برای راه‌اندازی کرسی زبان فارسی برشمرده که عبارت‌اند از:

۱. کسب مجوز از وزارت آموزش صربستان
۲. برنامه‌ریزی دوره آموزشی زبان فارسی
۳. تهیه و تدوین کتاب و منابع درسی لازم
۴. تأمین استاد زبان فارسی

همکاری دکتر صفارمقدم با دانشکده شرق‌شناسی کوتاه و موقت بود. پس از بازگشت ایشان با تلاش‌های نمایندگان فرهنگی ایران، کلاس‌هایی در دانشکده ادبیات تشکیل می‌شد، اما علیرغم تلاش‌های بسیار، به دلیل عدم اعزام استاد از ایران، مسئولان دانشگاه چندان با جدیت به موضوع عنایت نداشتند. تا اینکه در آبان سال ۱۳۷۹ آقای دکتر محمود فضیلت از طرف وزارت علوم و تحقیقات به عنوان استاد زبان فارسی به بلگراد اعزام شد و کلاس درس فارسی به عنوان زبان دوم دانشجویان رشته‌های شرق‌شناسی و در شمار دروس اختیاری طی مراسمی گشایش یافت و از آن زمان تاکنون، واحد زبان فارسی طی دو دوره با استقبال نسبتاً مقبولی همراه بوده است.

در حال حاضر ۱۶ دانشجو از رشته‌های شرق‌شناسی، زبان و تاریخ عثمانی، زبان عربی، زبان ایتالیایی و زبان یونانی در کلاس‌های زبان فارسی شرکت می‌کنند و زبان فارسی را به عنوان زبان دوم خود انتخاب کرده‌اند؛ اما هنوز شرایط لازم برای تأسیس کرسی زبان فارسی کاملاً فراهم نشده است. یکی از شرایط اصلی آن وجود یک نفر تبعه صربستان است که دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری معتبری در زبان و ادبیات فارسی باشد، تا بتوان گروه فارسی را در بخش شرق‌شناسی به‌طور رسمی تأسیس کرد. در آن صورت است که برنامه‌های زبان فارسی و ایران‌شناسی در دانشکده نظم و نسق خواهد یافت، وگرنه با تغییر استادان اعزامی از ایران در هر دو سال، کار را باید از نو آغاز کرد، هیچ طرح و برنامه‌ای تداوم نخواهد یافت و همیشه در آغاز راه خواهیم بود.

متأسفانه در حال حاضر کسی را سراغ نداریم که دارای مدرک معتبر دانشگاهی باشد. شاید خانم ژانا هاکوپیچانیان در یکی دو سال آینده بتواند آمادگی لازم برای این موقعیت را به‌دست آورد. ایشان هم‌اکنون دانشجوی دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی عمومی با گرایش زبان فارسی در دانشکده ادبیات بلگراد و مشغول تحقیق در موضوع پایان‌نامه تحصیلی خود با عنوان **واژه‌های مشترک فارسی و صربی** است؛ وی زبان فارسی می‌داند و در دو دوره دانش‌افزایی زبان فارسی در ایران شرکت داشته است.

لازم است هرچه زودتر برنامه‌ای برای یک دوره دوساله در قالب چهار نیمسال از قرار هفته‌ای حداکثر شش ساعت، طراحی شود که در کنار آموزش زبان فارسی، زمینه‌های آشنایی با تاریخ، ادبیات، فرهنگ و تمدن ایران در آن پیش‌بینی شده و از جاذبه‌های مقبول و قوی برخوردار باشد. تکیه صرف بر آموزش زبان، بدون ایجاد انگیزه و شوق، موجب خستگی و دل‌سردی زبان‌آموزان می‌شود. زیرا آنها زبان را به هدف آشنایی با محتوای تاریخ و تمدن ایران می‌خوانند و زبان به تنهایی برای آنها جاذبه‌ای ندارد.

اغلب گروه‌های آموزشی دانشکده ادبیات بلگراد، از جمله گروه انگلیسی، ژاپنی، چینی، عربی، عبری، کره‌ای و ترکی...

کارهایی است که صربستان استعداد پذیرش آن را در حد قابل توجهی دارد.

د) دوره‌های آموزش زبان فارسی در مرکز فرهنگی ایران

از سال ۱۹۹۱ م. مرکز فرهنگی ایران اقدام به برگزاری کلاسهای آموزش زبان فارسی کرد و از آن زمان تاکنون این دوره‌ها هر ساله برگزار شده و زبان‌آموزان بسیاری در آنها ثبت‌نام کرده‌اند. آخرین دوره در آبان ۱۳۸۱ افتتاح شد که حدود ۱۱۵ نفر در این دوره ثبت‌نام و در ۵ کلاس رده‌بندی شده‌اند و اینک برای آزمونهای پایان ترم آماده می‌شوند. کلاسها در سائنی که دانشکده ادبیات در اختیار مرکز فرهنگی ایران قرار داده است تشکیل می‌شود و شش نفر کار آموزش زبان را برعهده دارند:

۱. خانم ملینا رویایی، مهندس معماری با سابقه ۱۳ سال زندگی در ایران، مترجم و محقق؛

۲. خانم ژانا هاوکویچانیان، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی با گرایش فارسی؛

۳. آقای دکتر مجید شکر فروش دانشجوی دکتری تخصصی رادیولوژی و آشنا با ادبیات و فرهنگ ایران؛

۴. خانم آرتینا گلپایگانی، با سابقه دبیری در ایران و تحصیلات دندانسازی در بلغراد؛

۵. خانم افسون رضازاده فارغ‌التحصیل در رشته گفتار و زبان از دانشگاه علوم بهزیستی تهران؛

۶. محمود فتوحی، نگارنده این سطور؛

چهار جلد کتاب آموزش زبان فارسی (آزفا) با تلاش و سرمایه مرکز فرهنگی ایران برای صرب‌زبانان آماده شده و با همه کاستیهایی که این کتاب دارد نسبتاً خوب و کارآمد است. بسیاری از معادلهای دستوری و واژگانی را دارد و در چهار جلد مجموعاً معادلهای نزدیک به ده هزار واژه فارسی را به صربی و بالعکس آورده است، و بخشی از نیازهای زبان‌آموزان را در خلأ لغت‌نامه فارسی به صربی برآورده می‌سازد.

در حال حاضر پیشرفته‌ترین گروه زبان‌آموزان، کتاب چهارم را به پایان رسانده و برای امتحان آماده می‌شوند. این گروه ۵ نفره از سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ دوره‌های آموزش زبان را در مرکز فرهنگی آغاز کرده‌اند و اولین گروهی هستند که دوره کامل آموزش زبان فارسی (آزفا) را به پایان می‌رسانند، و از مهارت زبانی مقبولی برخوردارند. از آنجا که زبان‌آموزان غالباً پس از اتمام دوره‌های آموزشی به تدریج با زبان فارسی قطع ارتباط می‌کنند و آموخته‌های خود را از یاد می‌برند، برای ادامه ارتباط آنها و رساندن توان زبانی ایشان به سطحی که آمادگی لازم برای ترجمه و تحقیق در زبان و فرهنگ ایران و همکاری با نمایندگیهای سیاسی و فرهنگی ایران را پیدا کنند، یک دوره یک ساله آموزش ترجمه را در قالب دو ترم تحصیلی با عنوان ترجمه متون ساده و ترجمه متون پیشرفته پیش‌بینی کرده‌ایم. این گروه در حال حاضر به ترجمه داستانهای مثنوی مولانا مشغول هستند و ۱۷ داستان از دفتر اول و دوم را ترجمه کرده‌اند. این داستانها نخست به زبان ساده بازنویسی و سپس به صربی ترجمه می‌شود.

برای تشویق و ترغیب زبان‌آموزان، سالانه تعدادی از بهترین دانشجویان را با هزینه کشورهای مربوطه به انگلیس، آمریکا، چین، ژاپن، اسرائیل، مصر، کره جنوبی، و دیگر کشورها اعزام می‌کنند تا در دوره‌های کوتاه‌مدت فراگیری زبان و آشنایی با فرهنگ آن کشورها شرکت کنند و بعضاً بورسهای تحصیلی ارزشمندی به آنان اعطا می‌کنند، و از این طریق بر تعداد مشتاقان فراگیری زبان و فرهنگ خود می‌افزایند.

ج) زمینه‌های ایران‌شناسی در زبان و فرهنگ صربستان

در کل جمهوریهای یوگسلاوی سابق به ویژه در صربستان و بوسنی بسترهای مناسب و بکری برای مطالعات ایران‌شناسی وجود دارد، که از رهگذر آنها می‌توان زمینه‌های همکاری فرهنگی و علمی میان دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی را در موضوعات تاریخی، دینی، سیاسی و مردم‌شناسی فراهم کرد. برخی از این زمینه‌ها از این قرارند:

● مطالعه و بررسی نفوذ فرهنگ ایران باستان و مانویت ایرانی در میان بوگومیل‌های بالکان در قرن یازده و دوازده میلادی.

● مطالعه و تحقیق در نفوذ زبان، ادبیات و فرهنگ ایران در میان مردم صرب و کروات.

● وجود نزدیک به یکصد نسخه خطی ایرانی که دقیقاً شناسایی نشده‌اند. این نسخه‌ها که مشخصات ناقصی از آنها در فهرستهای کتابخانه‌ها و موزه‌ها آمده است، پس از تحولات سیاسی اخیر، موجودیت برخی از آنها در بوته‌ای از ابهام فرورفته است.

● حدود ۳۰۰۰ واژه شرقی (ترکی، عربی، فارسی) در زبانهای این منطقه وجود دارد که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها واژه‌های فارسی است. تاکنون در زبان صربی بالغ بر ۲۰۰ واژه رایج در زبان فارسی یافته‌ام.

● وجود طوایفی از کولیها که از شرق مهاجرت کرده‌اند و در زبان آنها واژه‌های فارسی فراوان یافت می‌شود.

● مشترکات فولکلوریک در ادبیات عامیانه (قصه‌ها و افسانه‌ها و ترانه‌های محلی و...)

● استقبال فراوان مردم صربستان از سینما، فرش، موسیقی، ادبیات ایرانی و مظاهر ایران باستان، زمینه مناسبی برای گسترش ارتباطات فرهنگی و سیاسی، اقتصادی است که نباید از آن غافل شد.

برگزاری نمایشگاههای فرهنگی، نمایش فیلم، اجرای موسیقی ایرانی، برگزاری سمینارهای علمی پژوهشی در ایران و صربستان، ترجمه متقابل آثار ادبی دو ملت از مؤثرترین

